

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

معاونت توسعه مدیریت و منابع

دفتر مطالعات و برنامه ریزی راهبردی

جایگاه مهاجران افغانستانی

در نظام برنامه ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مهدي جعفري خانقاه

آبان ۱۳۹۵

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۳ | مقدمه و بیان مساله گفتار اول: |
| ۵ | انواع مهاجرت و آمار مهاجران افغانستانی در ایران گفتار دوم: |
| ۹ | نگاهی به فعالیت های فرهنگی، هنری و آموزشی مهاجران افغانستانی در ایران گفتار سوم: |
| ۱۴ | تصویر جامعه ایرانی از مهاجران افغانستانی در ایران گفتار چهارم: |
| ۱۷ | سیاست های مهاجرتی جمهوری اسلامی در قبال مهاجران افغانستانی گفتار پنجم: |
| ۱۹ | چالش های فعالان فرهنگی مهاجر در ایران گفتار ششم: |
| ۲۳ | فرصت های فعالان فرهنگی مهاجر برای ایران گفتار هفتم: |
| ۲۴ | نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قبال فعالان فرهنگی افغانستانی گفتار هشتم: |
| ۲۶ | نتیجه گیری و پیشنهاد |
| ۲۹ | پی نوشت و منابع |

مقدمه

آخرین گزارش کمیساریای عالی پناهندگان جهان (unhcr) نشان می دهد، تا پایان سال ۱۳۹۳ در حدود ۱۹/۵ میلیون پناهنده در جهان وجود دارند که ۵/۱ میلیون از آن ها پناهندگان فلسطینی هستند که توسط آژانس سازمان ملل برای کمک به پناهندگان فلسطینی ثبت شده و ۱۴/۴ میلیون دیگر پناهندگان ثبت شده در کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل می باشند. (نصراصفهانی، ۱۳۹۴، ص ۱) براساس این گزارش ترکیه با ۱/۵۹ میلیون بیشترین پناهنده را در خود جای داده و ایران با ۹۸۲ هزار نفر (پس از پاکستان و لبنان) در ردیف چهارم کشورهای پناهنده پذیر جهان قرار گرفته است. بررسی های موجود حکایت از آن دارد تا قبل از آغاز جنگ در سوریه، ایران و پاکستان میزبان بیشترین پناهنده در جهان بودند. (همان منبع)

براساس آمارهای غیر رسمی نزدیک به سه میلیون مهاجر افغانستانی در ایران حضور دارند که بیش از ۳/۲ درصد جمعیت ایران را شامل می شود. (همان منبع، ص ۲) مساله ای که به تنهایی می تواند به پدیده ای مهم برای بررسی تبدیل شود. مساله مهاجران افغانستانی در ایران سال ها در محافل علمی و سیاسی مورد بحث و نظر بوده اما غالبا این تلقی وجود داشته که موضوع مهاجرین مسئله ای گذرا و موقتی است.

یعنی به مهاجرین به عنوان بخشی از جمعیت خارجی نگریسته شده که جمهوری اسلامی بطور موقت آن ها را اسکان داده است. با گذشت نزدیک به چهار دهه از حضور مهاجران افغانستانی در ایران، بر خلاف انتظار مشاهده می شود که مهاجران افغانستانی علیرغم دشواری های موجود، علاقه ای به بازگشت به کشور خود ندارند. مساله ای که تنها ایران با آن روبرو نیست. وقتی مهاجرین به کشوری در سطح زندگی بالاتر می روند، تمایل کمتری برای بازگشت به کشور خود پیدا می کنند.

باید تاکید کرد جمعیتی که بیش از سه دهه در ایران حضور دارد و نسل های دوم و سوم را بوجود آورده و فعالیت های گسترده ای را از خود برجای گذاشته، "بیش از آنکه مسئله ای برای دولت افغانستان باشد، پدیده ای متعلق به جامعه ایرانی است." بنابراین اگر به مهاجران افغانستانی در ایران به عنوان پدیده ای دائمی و داخلی بنگریم آنوقت "وضعیت زندگی آنان نه از منظر سخاوتمندی ایران بلکه در مقایسه با سایر شهروندان ایرانی" (همان منبع، ص ۳) مورد توجه قرار خواهد گرفت. اگر چنین بینشی در سطوح کلان مدیریتی کشور شکل بگیرد، آنگاه نه تنها مهاجران افغانستانی بلکه جایگاه فعالان فرهنگی این جامعه، در نظام سیاستگذاری کشور پررنگ تر دیده خواهد شد.

با توجه به اینکه همچنان در سطوح مختلف جامعه، رویکرد موقتی دیدن مهاجرین وجود دارد و نمی توان چنین نگاهی را تا ابد تعمیم داد گزارش حاضر می کوشد سهم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را با توجه به رسالت و اهدافی که در این خصوص دارد یاد آور شود.

بیان مساله

همانطور که پیشتر اشاره شد جامعه افغانستانی یکی از جوامع بزرگ مهاجر است که در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفته است. گزارش ها و خبرهای متعددی از دشواری های حضور شاعران، نویسندگان و فعالان فرهنگی افغانستانی در ایران طی سال های گذشته وجود دارد. علیرغم وجود همزبانی و مسلمان بودن و تاثیری که آنان بر جریان گسترش زبان و ادبیات فارسی داشته ولی بطور جدی مسائل و مشکلات آنان مورد رسیدگی قرار نمی گیرد. بعضی از آنها به خاطر شرایط سخت اقامت، مجبور به ترک کشور و ادامه تحصیل در دیگر کشورها شدند و بعضی دیگر مجبور هستند همه داشته‌هایشان را رها کنند و به افغانستان باز گردند. جالب آنکه نویسندگان و شاعران و فرهیختگان ایرانی بارها به این رفتارهای تبیض آمیز اعتراض و واکنش نشان داده اند و از مسئولان خواسته‌اند به وضعیت این افراد رسیدگی شود.

اتفاقا فعالان فرهنگی افغانستان هم علاقه و ارادت خود را به انقلاب اسلامی اثبات کرده و هم خدمتشان به زبان فارسی بر کسی پوشیده نیست. در سال ۱۳۹۳ وقتی یادداشت استاد محمد کاظم کاظمی شاعر، نویسنده، محقق و استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی درباره تمدید کارت اشتغال و انتخاب شغل چوپانی در شبکه های مجازی، سایت ها و خبرگزاری های داخلی رسانه ای شد شاید کمتر کسی از وضعیت بفرنج فعالان فرهنگی و هنری مهاجرین آگاهی داشت. در طول این سالها، دولت ایران امکان دسترسی مهاجران قانونی به امکانات و خدمات را هر چند با محدودیت هایی فراهم کرده بود و همواره از آن به عنوان نشانه هایی از میزبانی مناسب ایران یاد می شود. اما واقعیت سویه دیگری هم دارد، تداوم حضور مهاجران افغانستانی، در شرایطی که اغلب قوانین و سیاست های در پیش گرفته به منظور ترغیب آن ها به بازگشت طراحی شد، در طول زمان جمعیتی از "شهروندان درجه دو" رادر ایران پدید آورد.

بنابراین مهاجران افغانستانی بدلیل برخوردار نبودن از حق زندگی دائمی در ایران، تنها به عنوان کارگر ساده خارجی رسمیت پیدا کرده و امکان هرگونه ارتقای اجتماعی از آنان سلب شده است. ممنوعیت و محدودیت قانونی در انتخاب شغل، محل زندگی، سفر داخلی و خارجی، عدم برخورداری از حق مالکیت در کنار ممنوعیت صدور مجوز برای انتشار نشریه و تاسیس مراکز فرهنگی، محدودیت در انتخاب شغل متناسب با فعالیت فرهنگی... شرایطی را بوجود آورده تا آنان در دایره "غیرخودی" قرار گرفته و همچنان بر "موقتی بودن و عدم تعلق داشتن" به سرزمین مادری شان تاکید شود. در یکی از تحقیقات انجام گرفته به نقل از یک پناهنده افغانستانی از "خوارنگری" ایرانیان نسبت به مهاجران افغانستانی سخن به میان آمده و مونسوتی هم در تحقیقاتی که پیرامون زندگی قوم هزاره های ساکن در ایران انجام داده است به "تحقیر، خصومت آشکار و حتی نژادپرستی ایرانیان" نسبت به مهاجران افغانستانی اشاره می کند. (همان منبع، ص ۵)

در نتیجه می توان اذعان داشت موضوع فعالان فرهنگی افغانستانی در ایران مانند بسیاری از مسائل اجتماعی مهاجران محل مناقشه است. مساله اصلی آن است که بین نخبگان و فعالان فرهنگی افغانستانی مقیم ایران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی بخش فرهنگ ارتباط منطقی و دو سویه ای حاکم نیست. درحالی که ارتباطات و اشتراکات فرهنگی

و تاریخی فراوان میان دو کشور ایران و افغانستان، نقش برجسته عالمان، ادیبان، روزنامه نگاران، تحصیلکردگان افغانستانی در رشد و ترویج فرهنگ اسلامی و زبان فارسی بر کسی پوشیده نیست و باید مجموعه این ظرفیت ها در خدمت ارتقای سطح همکاری های دو کشور قرار گیرد.

هدف اصلی این گزارش پاسخ به چرایی اهمیت داشتن جایگاه مهاجران افغانستانی در نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. در وهله نخست نکته مهمی که باید مورد توجه باشد تفاوت قائل شدن میان دو پدیده "مهاجرت به ایران" و "مهاجران در ایران" است. تفکیک پذیری میان این دو پدیده ما را به درک بهتر موضوع نزدیک تر می کند و متناسب با آن امکان تدوین نظام سیاستگذاری برای مهاجران را در حوزه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی فراهم می سازد.

گفتار اول: انواع مهاجرت و آمار مهاجران افغانستانی در ایران

تعاریف

باید دانست، پناهندگی و آوارگی مفاهیمی هستند که از جهاتی باهم وجه اشتراک دارند. در تمام این موارد، افراد محل سکونت پیشین خود را ترک نموده و در محل جدیدی مستقر می شوند. همین وجه اشتراک سبب می شود که مهاجرت، پناهندگی و آوارگی از نظر اجتماعی آثار و پیامدهای مشابهی داشته باشند. با وجود این، مفاهیم یاد شده از حیث عناصر معنوی با یکدیگر اختلاف دارند و از نظر حقوقی بین مهاجر، پناهنده و آواره تفاوت های اساسی وجود دارد. این تفاوت در تعیین وضعیت حقوقی آنان موثر بوده و باید حقوق و تکالیف متفاوتی را برای آنها قائل شد. (موسوی، ۱۳۹۱، ص ۱۴)

با توجه به اینکه گزارش حاضر بررسی جایگاه مهاجران افغانستانی در نظام سیاستگذاری و برنامه ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است ارائه تعریف دقیق از این مفاهیم برای آگاهی بیشتر با ابعاد حقوقی و اجتماعی موضوع ضرورت دارد.

تعریف مهاجرت

لغت نامه جامعه شناسی کمبریج مهاجرت را «تغییری در محل اقامت دائمی که مدت آن اغلب یکسال یا بیشتر می باشد» تعریف کرده که «اقدامی جغرافیایی در عبور از مرزی سیاسی را نیز شامل می شود». در لغت نامه جمعیت شناسی نیز آمده است مهاجرت: شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می گیرد (همان منبع، ص ۱۵).

مهاجرت به انواع مختلفی از جمله ارادی یا اجباری، فردی یا توده ای و نیز قانونی و غیر قانونی قابل تقسیم بندی است. (همان منبع، ص ۱۶)

تعریف پناهنده

پناهنده فردی است که کشور متبوع خود را به علت تعقیب و آزار و یا ترس ناشی از این امر، ترک می‌کند. در تعریف دیگر: «پناهنده به کسی گفته می‌شود که به دلیل تجاوز خارجی، اشغال، سلطه خارجی و یا سایر حوادثی که نظم عمومی را در قسمت یا تمامی کشور اصلی بر هم می‌زنند، ناچار به پناه گرفتن در سرزمینی جز سرزمین اصلی خود می‌گردد» (همان منبع).

تعریف آواره

آوارگی در لغت به معنی بی‌خانمانی، بی‌منزلی و دورافتادگی از وطن و خانمان ذکر گردیده است و آواره به کسی اطلاق می‌گردد که از خانمان یا وطن خود دور افتاده یا نفی و اخراج گردیده است و جای معلوم و معینی ندارد (JAMIE, HAMPTON: 1988, P,X 111). آواره به فردی اطلاق می‌شود که بنا به دلایل سیاسی، اقتصادی، مذهبی، نژادی بدون رعایت تشریفات قانونی کشور متبوع خود را ترک نموده و در صدد یافتن موطنی دیگر می‌باشد. (همان منبع، ص ۱۷). بر اساس این تعاریف می‌توان گفت در میان قشر افغان‌هایی که در ایران ساکن هستند ما بیشتر با گروه‌هایی از مهاجران و آوارگان مواجه هستیم. (همان منبع)

آمار مهاجران افغانستانی در ایران

اهمیت مهاجرت زمانی بر ما آشکار می‌گردد که بدانیم از سوی اندیشمندان برجسته این حوزه، عصر جدید به عنوان عصر مهاجرت نام گذاری شده و حتی روز ۱۸ دسامبر به عنوان روز جهانی "مهاجر" در تقویم سازمان ملل متحد به ثبت رسیده است. شکل گیری سازمان ها، اتحادیه ها و کنوانسیون های بین المللی، نشان از اهمیت مهاجرت در عرصه تصمیم گیری های سیاسی در بین کشورهای جهان دارد. در امتداد چنین نگاهی، شناخت درست پدیده مهاجرت و ویژگی های مهاجران، می تواند ما را در زمینه مدیریت موضوع یاری رساند.

نتایج سرشماری های جمعیتی ایران ما را فقط با آمارهای کلی از وضعیت مهاجران خارجی آشنا می کند. یکی از اشکالات اساسی در این داده ها "محدود بودن اطلاعات جمعیتی" درباره مهاجران خارجی است. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد ۱ میلیون و ۳۰۴ هزار و ۱۶ نفر تبعه خارجی در ایران ساکن بوده که حدود ۱/۸۴ درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهد. از این تعداد ۱ میلیون و ۲۰۶ هزار و ۱۰۷ نفر معادل ۹۲/۸۸ درصد جمعیت مهاجران خارجی در ایران، سهم مهاجران افغانستانی است. بعد از مهاجران افغانستانی، مهاجران عراقی با جمعیت ۴۳ هزار و ۸۱۰ نفر معادل ۳/۳۸ درصد از جمعیت کل مهاجران خارجی در ایران را به خود اختصاص داده اند. (صادقی، ۱۳۸۸، ص ۴۷) اتباع افغانستانی و عراقی مجموعاً ۹۶ درصد از جمعیت مهاجران خارجی در ایران را تشکیل می دهند. علاوه بر این تعدادی مهاجر (اتباع) خارجی از کشورهای پاکستان با

۱۴/۹۲۶ نفر، ترکمنستان با ۷/۹۹۳ نفر، ارمنستان با ۳/۲۵۳ نفر، آذربایجان با ۱/۵۷۸ نفر، ترکیه با ۸۳۲ نفر و سایر کشورها با ۱۸/۱۹۴ نفر در ایران حضور داشته و مورد سرشماری قرار گرفته اند. (صادقی، ص ۴۷-۴۸)

در نتیجه تعداد مهاجران افغانستانی در ایران بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، به ۱/۲ میلیون نفر کاهش پیدا کرد. (همان منبع، ص ۴۹) آمار سال های مهاجرت (۱۳۵۸-۱۳۸۰) به ما نشان می دهد که حدود ۳۰ درصد از جمعیت کشور افغانستان، دست به مهاجرت زده و ایران را به عنوان یکی از کشورهای مقصد انتخاب کرده اند. در فاصله سال های ۱۳۵۸-۱۳۶۸ یعنی دوره ای که مجاهدین افغانستان با ارتش متجاوز شوروی سابق در حال جنگ بودند نزدیک به دو میلیون افغانستانی راهی ایران شدند.

باشکست ارتش شوروی سابق و شکل گیری حکومت مجاهدین در افغانستان نزدیک یک میلیون پناهنده به کشور خود بازگشتند. اما مجدداً با شروع جنگ های داخلی و تسلط طالبان، موج جدیدی از خشونت و کشتار مردم بیگناه در افغانستان آغاز شد. در این دوره یعنی نیمه اول دهه ۱۳۷۰ جمعیت مهاجران افغانستانی در ایران به حدود سه میلیون نفر می رسید. با سقوط طالبان در سال ۱۳۸۰ و برقراری ثبات و امنیت نسبی در افغانستان، جمهوری اسلامی سیاست بازگشت را به سیاست پذیرش که پیش از این در دهه ۷۰ شمسی، پیگیری می کرد تغییر داد.

اما دلایل مهمی چون فضای جنگ و نا امنی، مشکلات اقتصادی و... مانع بزرگی برای بازگشت مهاجران به کشورشان بود. بر اساس برنامه بازگشت داوطلبانه پناهندگان، آمارهای موجود نشان می دهد تا ابتدای سال ۲۰۰۷ میلادی، نزدیک به ۱/۶۴۳/۴۹۱ پناهنده افغانستانی، ایران را ترک گفته اند. (همان منبع) اکنون بر اساس آمارهای غیر رسمی نزدیک به سه میلیون مهاجر افغانستانی در ایران سکنا گزیده اند.

ترکیب جنسیتی مهاجران افغانستانی در ایران

بررسی ترکیب جنسی مهاجران خارجی نشان می دهد که ۵۴/۸ درصد مهاجران خارجی را مردان و ۴۵/۲ درصد را زنان تشکیل می دهند. (همان منبع، ص ۴۹-۵۰) از این تعداد سهم مردان افغانستانی ۵۴/۷ درصد و سهم زنان افغانستانی ۴۵/۳ درصد می باشد. (همان منبع) الگوی ترکیب جنسی مهاجران افغانستانی "الگوی مهاجرتی مرد گزین" نام گرفته است. این الگو بیانگر تسلط بیشتر مردان و کاهش سطح "مهاجرت های خانوادگی" آنان است. (همان منبع) باید اضافه کرد "الگوی مهاجرتی مرد گزین" در میان بیشتر گروه های خارجی ساکن در ایران یعنی مهاجران ارمنستانی، پاکستانی، افغانستانی، ترکیه ای، عراقی و... قابل مشاهده می باشد. (همان منبع، ص ۵۱)

ساختار سنی مهاجران افغانستانی در ایران

بر مبنای جدول "توزیع درصدی جمعیت مهاجر خارجی در گروه های بزرگ سنی بر حسب تابعیت در سال ۱۳۸۵"، ساختار سنی جمعیت مهاجران افغانستانی ۴۰ درصد کمتر از ۱۵ سال، ۵۸ درصد بین ۱۵ تا ۶۴ سال، ۲ درصد دارای ۶۵ سال و بالاتر اعلام شده است. (همان منبع، ص ۵۳)

پراکندگی استانی مهاجران افغانستانی در ایران

نتایج بررسی نحوه اسکان مهاجران خارجی در مناطق شهری و روستایی نشان می دهد که ۷۲/۲ درصد مهاجران خارجی در مناطق شهری و ۲۷/۸ درصد در مناطق روستایی ایران ساکن بوده اند. بر این اساس حدود سه چهارم مهاجران خارجی در نقاط شهری ایران اقامت داشته اند. بالاترین میزان شهرنشینی به مهاجران خارجی ساکن در استان قم با ۸۸ درصد و پایین ترین آن به مهاجران خارجی در استان زنجان با ۴۱ درصد تعلق داشته است. در این خصوص باید بیان داشت استان تهران به تنهایی حدود یک سوم مهاجران خارجی را در خود جای داده است. (همان منبع، ص ۵۷)

نگاهی تاریخی به مهاجرت افغانستانی ها

کودتای هفتم اردیبهشت ۱۳۵۷ که منجر به روی کار آمدن حزب دموکراتیک خلق افغانستان به رهبری نور محمد تره کی شد از حمایت همه جانبه اتحاد جماهیر شوروی سابق برخوردار بود و طولی نکشید که ماهیت مارکسیستی آن مسیر تحولات جدیدی را برای افغانستان رقم زد. روند این اتفاقات با روحیه استعمارستیزی، باورهای دینی و اسلامی مردم افغانستان سازگار نبود.

بنابراین دیری نپایید که شورش های عمومی سراسر افغانستان را فرا گرفت. حفیظ الله امین در ۲۳ شهریور ۱۳۵۸ با کودتا، نورمحمد تره کی را از مقام خود برکنار کرد و خود به جای او بر کرسی قدرت نشست که با گسترش اقدامات خشونت بار امین، شوروی به صورت مستقیم دخالت کرد و با قتل امین، حکومت ببرک کارمل هم زمان با اشغال افغانستان در ششم دی ۱۳۵۸ آغاز به کار کرد و به این شکل دور جدیدی از مهاجرت برای مردم ستمدیده افغانستان رقم خورد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران فرصتی را فراهم ساخت تا جمع کثیری از شیعیان افغانستانی (از قوم هزاره) به همراه طیف های مختلف سیاسی و جهادی، دانشگاهی و فرهنگی ... ایران را به عنوان پایگاه مناسبی برای زندگی و مبارزه با رژیم کمونیستی کابل انتخاب کنند.

در این برهه از زمان شاهد شکوفایی مطبوعات سیاسی و دینی و دیگر فعالیت های فرهنگی با مظالمین جهادی و ایدئولوژی در ایران بوده ایم. با شکست ارتش متجاوز شوروی سابق در سال ۱۳۶۸ و متعاقب آن خروج نیروهای شوروی و سقوط آخرین دولت کمونیستی کابل (دکتر نجیب الله ۸ مهر ۱۳۶۶ - ۲۷ فروردین ۱۳۷۱) این بار افغانستان پس از چهارده سال

درگیری و نزاع با حکومت داخلی و دشمن متجاوز، روی کارآمدن دولت مجاهدین در هفتم اردیبهشت ۱۳۷۱ را تجربه کرد. در این دوره جاه طلبی رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی باعث به وجود آمدن جنگ های داخلی و بروز ناآرامی ها در افغانستان شد. بنابراین دومین دوره مهاجرت بر مردم افغانستان تحمیل گردید. آتش جنگ های داخلی و خانمانسوز تا پایان سال ۱۳۷۵ شعله ور بود.

سومین دوره مهاجرت در زمان تسلط طالبان بر افغانستان شکل گرفت. طالبان با استفاده از درگیری های داخلی و خلاء قدرت بر افغانستان حاکم شد و تا آبان ۱۳۸۰ به ترویج اندیشه های افراطی و قوانین سخت گیرانه خود ادامه داد.

با حمله امریکا و متحدانش به افغانستان بساط طالبان برچیده شد و دولت موقت حامد کرزی بر روی کار آمد. با شکل گیری دولت جدید و وزیدن بهار آزادی، مهاجرت افغانستانی ها روندی نزولی پیدا کرد و عده زیادی از مهاجران افغانستانی کشور میزبان را به مقصد وطن ترک گفتند. در سال های اخیر با وجود تکانه های سیاسی و امنیتی همچنان مسیر رفت و برگشت مهاجرت به قوت خود باقی است. وجود اشتراکات مذهبی، فرهنگی، تاریخی در کنار عواملی چون کسب و کار، تحصیل، فعالیت سیاسی-فرهنگی و اجتماعی... ماهیت مهاجرت افغانستانی ها را نشان می دهد.

گفتار دوم: نگاهی به فعالیت های فرهنگی، هنری و آموزشی مهاجران افغانستانی در ایران

زمینه اجتماعی فعالیت های فرهنگی مهاجرین در ایران را باید در وضعیت سیاسی-اجتماعی افغانستان در دهه های گذشته جستجو کرد. تجاوز نظامی شوروی، اختلافات قومی و مذهبی، درگیری های داخلی احزاب سیاسی، ظهور طالبان و حمله نظامی امریکا و وجود ناامنی در این کشور شرایط را برای مهاجرت مهیا ساخته بود. مردم افغانستان با توجه به اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی و سابقه ذهنی مثبت از ایران، این کشور را به عنوان نخستین مقصد انتخاب کردند. فعالان فرهنگی مهاجر، با مهیا بودن چنین بستری، بطور خودجوش و اغلب بدون حمایت های دولتی فعالیت های گسترده ای را در زمینه انتشار نشریه، کتاب، اجرای شب های شعر و موسیقی، راه اندازی مراکز فرهنگی، برگزاری جشنواره ادبی و... در شهرهای مختلف ایران دنبال کردند. تغییر شرایط سیاسی افغانستان، اعمال سیاست های مهاجرتی و وجود محدودیت های قانونی و اقامتی در ایران، باعث کاهش شمار فعالان فرهنگی مهاجر در ایران شد. اگر چه فعالیت های فرهنگی مهاجرین به مانند گذشته پررنگ نیست اما همچنان با وجود مشکلات و سختی های موجود به فعالیت های فرهنگی خود ادامه می دهند. تلاش های گسترده فعالان فرهنگی را باید قرار نگرفتن در حاشیه و مشارکت جدی در جامعه تلقی کرد.

دلایل مهم شکل گیری فعالیت های فرهنگی مهاجران در ایران عبارت است از:

تلاش برای مقابله فرهنگی با پدیده جنگ، خشونت ها و تاثیرات منفی آن در میان مهاجران

اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی میان دولت ایران و افغانستان

حفظ هویت فرهنگی مهاجران

حفظ ارتباط درونی قشرهای مختلف جامعه مهاجران

برقراری ارتباط با جامعه فرهنگی و هنری ایران

در میان کشورهای همسایه و جهان، ایران سهم بسزایی را از حضور مهاجران افغانستانی به خود اختصاص داده است. بنابراین توجه به کارنامه فعالیت های فرهنگی و هنری مهاجران افغانستانی، به خصوص ورود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به این حوزه، مسیر جدیدی را در برقراری و تحکیم روابط فرهنگی دو طرف ایجاد خواهد کرد و نگرش منفی و تبلیغات ایران هراسی را به حاشیه خواهد برد.

زبان هر کشور معیاری برای رشد و بالندگی فرهنگ و اندیشه به شمار می رود. به همین خاطر به تصویر کشیدن نشریات و کتاب های فارسی زبان که توسط مهاجرین به چاپ می رسد حسی آمیخته به غرور و شادمانی را برای فارسی زبانان به همراه دارد. متأسفانه آمار دقیق و روزآمدی از وضعیت فعالیت های فرهنگی مهاجرین افغانستانی در بخش های مختلف فرهنگی وجود ندارد.

بنابراین در گزارش حاضر تلاش شده با دسترسی به منابع معتبر، آمار تقریباً مستندی در سه حوزه مطبوعات، کتاب های فارسی زبان و مدارس خودگردان مهاجرین ارائه شود. تا مخاطب محترم تصویر نسبتاً روشنی از وضعیت فعالیت های فرهنگی مهاجرین بدست آورد.

مطبوعات مهاجران افغانستانی در ایران

مهاجران افغانستانی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷ بالغ بر ۶۹۰ عنوان نشریه در ۲۲ کشور جهان منتشر کرده اند. جمهوری اسلامی ایران بعد از پاکستان با ۲۴۷ عنوان رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. (محرابی و جعفری خانقاه، ۱۳۸۹، ص ۱۹)

همچنین در تفکیک موضوعی که انجام گرفته است از مجموع ۲۴۷ عنوان نشریه فارسی زبان مهاجران افغانستانی در ایران، به ترتیب ۹۲ عنوان با گرایش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛ ۵۵ عنوان با گرایش سیاسی و خبری؛ ۲۰ عنوان با گرایش فرهنگی و اجتماعی؛ ۲۹ عنوان با گرایش سیاسی، اجتماعی و دینی؛ ۱۳ عنوان با موضوع زنان؛ ۱۲ عنوان با گرایش فرهنگی و ادبی؛ ۱۰ عنوان با موضوع دانشجویی؛ ۱۰ عنوان با موضوع کودک و نوجوان و ۶ عنوان با گرایش فرهنگی و دینی تاسیس یافته است. (همان منبع، ص ۲۳) روند انتشار مطبوعات مهاجران افغانستانی در جهان را باید در وقایع و رویدادهای سیاسی، اجتماعی داخل افغانستان جست و جو کرد. به همین دلیل فراز و فرود فعالیت های فرهنگی و مطبوعاتی مهاجران افغانستانی در ایران را نباید خارج از این قاعده دید.

جدول شماره ۱ به تفکیک کشور وضعیت انتشار نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی در جهان را به خوبی نشان می دهد.

جدول ۱. فراوانی نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی در جهان (۱۳۵۷-۱۳۸۷ شمسی)

| نام کشور | ۱۳۵۷- ۱۳۷۰ | ۱۳۷۱- ۱۳۷۵ | ۱۳۷۶- ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱- ۱۳۸۷ | نامعلوم | جمع |
|-----------|---------------|---------------|---------------|---------------|---------|-----|
| آلمان | ۴۵ | ۱۳ | ۷ | ۱ | | ۶۶ |
| آمریکا | ۲۳ | ۱۳ | ۱۰ | | ۲ | ۴۸ |
| اتریش | ۲ | | ۲ | ۱ | | ۵ |
| استرالیا | ۳ | ۲ | | | | ۵ |
| انگلستان | ۴ | ۲ | ۱ | | | ۷ |
| ایران | ۱۱۵ | ۴۱ | ۶۵ | ۲۰ | ۶ | ۲۴۷ |
| بلژیک | ۱ | | ۱ | | | ۲ |
| پاکستان | ۱۶۶ | ۳۸ | ۳۳ | ۱ | ۱۳ | ۲۵۱ |
| تاجیکستان | | | ۶ | ۱ | | ۷ |
| ترکیه | | | | ۱ | | ۱ |
| چک | | | ۱ | | | ۱ |
| دانمارک | ۳ | ۱ | ۱ | | | ۵ |
| روسیه | | | ۱ | ۱ | | ۲ |
| سوئد | | | ۴ | | | ۴ |
| سوئیس | | ۲ | | | | ۲ |
| فرانسه | ۴ | ۲ | | | | ۶ |
| فنلاند | | | ۱ | ۱ | | ۲ |
| کانادا | | ۴ | ۴ | ۲ | | ۱۰ |
| مجارستان | | | ۱ | | | ۱ |
| نروژ | ۶ | | | | | ۶ |
| هلند | ۱ | ۲ | ۱ | | | ۴ |
| هند | ۲ | ۳ | ۳ | | | ۸ |
| جمع | ۳۷۵ | ۱۲۳ | ۱۴۲ | ۲۹ | ۲۱ | ۶۹۰ |

برای سهولت درک دلایل انتشار مطبوعات افغانستانی در ایران بایستی چهار دوره تاریخی ذیل را مد نظر قرارداد:

- دوره اول: حکومت کمونیستی افغانستان از هفتم ۱۳۵۷ تا ۲۷ فروردین ۱۳۷۱.

- دوره دوم: حکومت مجاهدین از هفتم اردیبهشت ۱۳۷۱ تا پنجم مهر ۱۳۷۵.

- دوره سوم: حکومت امارت اسلامی افغانستان (طالبان) از ششم مهر ۱۳۷۵ تا ۲۱ آبان ۱۳۸۰.

- دوره چهارم: حکومت انتقالی و برقراری جمهوری اسلامی افغانستان از اول دی ۱۳۸۰ تا پایان دولت کرزای.

- دوره پنجم: حکومت وحدت ملی تاکنون.

جدول ۲. فراوانی نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی در ایران به تفکیک مکان انتشار

| محل انتشار | ۱۳۷۰-۱۳۵۷ | ۱۳۷۵-۱۳۷۱ | ۱۳۷۶-۱۳۸۰ | ۱۳۸۱-۱۳۸۷ | نامعلوم | جمع |
|------------|-----------|-----------|-----------|-----------|---------|-----|
| تهران | ۴۱ | ۸ | ۱۶ | ۹ | ۱ | ۷۵ |
| قم | ۲۰ | ۱۴ | ۱۶ | ۶ | ۲ | ۵۸ |
| مشهد | ۳۱ | ۱۲ | ۲۱ | ۲ | ۱ | ۶۷ |
| اصفهان | | ۱ | ۲ | | | ۳ |
| شیراز | ۱ | | ۱ | | | ۲ |
| زابل | ۱ | | | | | ۱ |
| ری | ۱ | | ۳ | ۱ | | ۵ |
| کاشان | | | | ۱ | | ۱ |
| یزد | ۱ | | | | | ۱ |
| ساوه | | | | ۱ | | ۱ |
| نامعلوم | ۱۹ | ۶ | ۶ | | ۲ | ۳۳ |
| جمع | ۱۱۵ | ۴۱ | ۶۵ | ۲۰ | ۶ | ۲۴۷ |

به دلیل وجود اشتراکات فرهنگی، تاریخی، مجاورت جغرافیایی و... کشورهای ایران و پاکستان با حجم گسترده ای از فعالیت های فرهنگی مهاجران افغانستانی در بخش های مختلف روبرو بوده است. بررسی های ما نشان می دهد از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷ روند رشد نشریات مهاجران افغانستانی در جهان و ایران رو به کاهش بوده است. اوج تاسیس بیشترین نشریات مهاجران افغانستانی در ایران مربوط به دوره اول مهاجرت یعنی سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ با ۱۱۵ عنوان و کمترین آن

مربوط به دوره چهارم مهاجرت یعنی سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ با ۲۰ عنوان می باشد. (همان منبع، ص ۲۷) این کاهش در مقایسه با سیر نزولی فراوانی نشریات مهاجران افغانستانی در دیگر نقاط جهان همخوانی معنا داری را نشان می دهد.

بیشترین فعالیت مطبوعاتی مهاجران افغانستانی در ایران به ترتیب در شهرهای تهران با ۷۵ عنوان، مشهد با ۶۷ عنوان و قم با ۵۸ عنوان انجام گرفته است. (همان منبع، ص ۲۱) این موضوع حکایت از آن دارد که بخش قابل توجهی از مهاجران افغانستانی در تهران و دو شهر مذهبی مشهد و قم ساکن اند.

از سوی دیگر انتشار نشریات انگشت شمار در شهرهای اصفهان، شیراز، زابل، ری، کاشان، یزد و ساوه در کنار به تصویر کشیدن محدوده جغرافیایی فعالیت مهاجران افغانستانی حکایت از جغرافیای فرهنگی آنان دارد. علیرغم اینکه آمار دقیقی از وضعیت مطبوعات مهاجرین در دسترس نیست ولی همچنان نشریات مختلفی، در شهرهای ایران به شکل چاپی و الکترونیکی منتشر و در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

کتاب های فارسی زبان مهاجران افغانستانی در ایران

درباره وضعیت نشر کتاب مهاجران افغانستانی در ایران آمار دقیقی وجود ندارد. برآوردهای اولیه حکایت از انتشار بیش از یک هزار عنوان کتاب از سال ۱۳۵۷ به این سو دارد. اولین اثر ایرانی که در زمینه کتابشناسی مهاجران افغانستانی در ایران انتشار یافت نشان می دهد از سال ۱۳۵۸-۱۳۸۰ نزدیک به ۲۱۰ عنوان کتاب (فرخ یار، ۱۳۸۱) در موضوعات ادبیات، تاریخ، دین، سیاست، علوم اجتماعی، کلیات و هنر به چاپ رسیده است. آمار بدست آمده گویای آن است که بیشترین کتابها به ترتیب در تهران با ۱۲۰ عنوان، قم با ۴۶ عنوان، مشهد با ۳۶ عنوان، بندرعباس با ۵ عنوان و گیلان با یک عنوان انتشار یافته است. هر مهاجر افغانستانی که به صورت قانونی در ایران ساکن باشد می تواند طبق ضوابطی که وزارت ارشاد تعیین کرده است، نسبت به درخواست انتشار کتاب اقدام کند.

انتشارات مهاجران افغانستانی در ایران، اغلب مربوط به کتاب هایی با موضوع مذهبی است. پس از آن رمان، داستان و شعر در رتبه بعدی قرار می گیرد. محمد ابراهیم شریعتی مدیر نشر عرفان، تنها ناشر غیر ایرانی است که مجوز چاپ کتاب دارد. وی از سال ۱۳۶۸ به ایران مهاجرت کرده است. (شریعتی، ۱۳۹۱)

مدارس خودگردان افغانستانی در ایران

تعریف دقیقی از مدارس خودگردان وجود ندارد اما در یک نگاه کلی می توان چنین تعریفی ارائه داد: "مدارس خودگردان به مدارسی اطلاق می شود که توسط افراد فرهنگی دلسوز با توجه به نیاز و ضرورت برای آموزش مهاجران افغانی در ایران تاسیس شده و بدون حمایت یا سرپرستی ارگانهای دولتی و با مدیریت افرادی غالباً غیر حرفه‌ای اداره می شود." (موسوی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵) دانش آموزانی که فاقد کارت رسمی اقامت در ایران بوده یا در محل صدور کارت خود زندگی نمی

کنند امکان تحصیل در مدارس دولتی ایران را ندارند. بنابراین مدارس خودگردان به صورت خودجوش در پاسخ به چنین نیازی تاسیس یافته اند. بر اساس آمار مرکز بین الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش در حال حاضر ۳۲۷ هزار و ۴۴۰ نفر از اتباع خارجی در مدارس داخل ایران تحصیل می کنند. از این تعداد ۳۰۹ هزار و ۴۰۷ نفر افغانستانی، ۹ هزار و ۴۳۷ نفر عراقی و باقی آن ها مربوط به اتباع دیگر کشورها است. (۱) جدول ذیل وضعیت مدارس خودگردان در ایران را از سال ۱۳۸۴-۱۳۸۵ نشان می دهد.

فراوانی مدارس خودگردان ۱۳۸۴-۱۳۸۵

| تعداد معلمان | | تعداد شاگردان | | تعداد مدارس |
|--------------|-----|---------------|-------|-------------|
| زن | مرد | دختر | پسر | ۲۱۸ |
| ۱۳۸۷ | ۲۰۷ | ۱۸۱۵۴ | ۲۲۳۵۸ | |
| ۱۵۹۴ | جمع | ۴۰۵۱۲ | جمع | |

گفتار سوم: تصویر جامعه ایرانی از مهاجران افغانستانی

برکسی پوشیده نیست که مطبوعات نقش تعیین کننده ای در شکل گیری افکار عمومی جامعه داشته و آئینه تمام نمای فرهنگ، سیاست و زندگی اجتماعی به حساب می آید. پژوهشی که بر روی عناوین و متون دو روزنامه اعتماد و کیهان از دو جریان سیاسی حاکم در یک دوره سه ساله (سال های ۱۳۸۵-۱۳۸۷) با عنوان "بررسی تصویر مهاجران افغانستانی در مطبوعات ایران" با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی انجام گرفته است به ما می گوید که چگونه این دو روزنامه با بهره گیری از راهبردهای کلامی به القای نگرشی خاص نسبت به مهاجران افغانستانی دست زده و تصویری منفی از اتباع افغانستانی ایران ترسیم کرده اند.

بطوری که "واژه ها و ساختارهای نحوی به کار گرفته شده در این دو روزنامه تصادفی نبوده و کاملاً هدفمند و در راستای انتقال نگرشی نامطلوب نسبت به اقلیت مهاجر افغان در نزد مخاطب ایرانی بوده است." (ساک، ۱۳۸۹، ص الف)

سابقه مواجهه ایرانی ها با مهاجران افغانستانی به بیش از سه دهه گذشته می رسد. در این سالها شاهد انعکاس اخبار سوگرایانه و بزرگ نمایی جرایم برخی از اتباع افغانستانی و تعمیم دادن آن به کل جامعه افغانستانی بوده ایم. طی این مدت تصویر غالبی که در ذهن جامعه ایرانی نقش بسته، باعث بوجود آمدن سوء تفاهم و بدبینی نسبت به این جامعه شده است. از سوی دیگر برخورد های متناقض و تحقیرکننده مجریان امر و رفتار مردم با مهاجران، وجود موانع قانونی برای تحصیل دانش آموزان (در حالی که حق آموزش در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تاکید قرار گرفته است)، ممنوعیت راه اندازی

مدارس خودگردان، شرایط سخت دریافت مجوز برای فعالیت های فرهنگی، بالا بودن نرخ هزینه های درمانی و بهداشتی، مهاجران افغانستانی را نسبت به جامعه ایرانی بدبین ساخته است. قضاوت ها و ابهاماتی که همچنان به قوت خود باقی مانده و رفته رفته بر فضای غبارآلود افزوده و منجر به ایجاد دیوار بی اعتمادی بین دو ملت مسلمان ایران و افغانستان شده است. اگر به گذشته نیک بنگریم خواهیم دید که ملت افغانستان همواره در کنار ملت ایران در عرصه های جهادی و اقتصادی حضور جدی داشته است بطوری که در هشت سال جنگ تحمیلی بیش از ۲۰۰۰ شهید و جانباز (۲) تقدیم نظام جمهوری اسلامی کرده و پس از جنگ با قبول کارهای سخت سهم بسزایی در آبادانی ایران داشته اند.

در اینجا برای روشن شدن ابعاد موضوع برخی از سوء تفاهم های موجود را مورد بررسی قرار می دهیم:

نادیده گرفته شدن توانمندی مهاجران افغانستانی

همواره از سوی جامعه ایرانی تلاش شده است که اتباع افغانستانی را در ویتترین افراد کم سواد، کارگر ساختمانی، قاچاقچی و... قرار دهیم در حالی که طیف های گوناگونی از آنان در زمینه های جهادی، علمی و دانشگاهی، روزنامه نگاری، شعر و ادبیات، موسیقی و تئاتر، فنی و حرفه ای ... و توانمندی های ارزنده ای از خود نشان داده اند.

به عنوان نمونه، مجتبی نیکزاد دانشجوی افغانستانی در مقطع کارشناسی دانشگاه باهنر کرمان، موفق به کسب رتبه نخست کشوری در رشته اقتصاد کشاورزی شد. یا مصطفی رضایی، به ساخت ساترفیوژ چند محوری دست یافته است. (بوالی، ۱۳۹۳)

افزایش جرم و جنایت توسط مهاجران افغانستانی

تاکتیک برجسته سازی برخی از رسانه های داخلی، این ذهنیت را در جامعه ایرانی پدید آورده است که مهاجرین افغانستانی عامل افزایش جرم و جنایت در ایران هستند. در سال ۱۳۹۲ آماري در اختیار خبرنگار تسنیم قرار گرفته که نشان می دهد حدود ۲۲۸ هزار نفر مجرم در زندان های ایران وجود دارد. از این رقم حدود ۶ هزار نفر مربوط به مجرمان خارجی محبوس در زندان های ایران است که ۵ هزار نفر از آنان را اتباع افغانستانی تشکیل می دهند (۳) بنابراین با توجه به جمعیت ۷۷ میلیون ایرانی (۴) در سال ۱۳۹۲ می توان چنین مقایسه کرد که از هر ۳۴۷ ایرانی یک نفر محکوم به زندان شده است. در حالی که از جمعیت حدود ۳ میلیون افغانستانی ساکن در ایران، از هر ۶۰۰ افغانستانی یک نفر در زندان به سر می برد. در این گزارش نوع جرم زندانیان افغانستانی در زندان های ایران بیشتر مرتبط با مواد مخدر گزارش شده است.

آمار زندانیان ایرانی و افغانستانی در ایران

| ملیت | تعداد جمعیت | تعداد زندانیان |
|------------|---------------|----------------|
| ایرانی | ۷۷ میلیون نفر | ۲۲۲ هزار نفر |
| افغانستانی | ۳ میلیون نفر | ۵ هزار نفر |
| جمع | ۸۰ میلیون نفر | ۲۲۷ هزار نفر |

جای این پرسش وجود دارد که چرا رسانه های ایرانی با خبرسازی توأم با اغراق و بزرگ نمایی جامعه ایرانی را نسبت به هم کیشان و همزبانان خود بدبین می کنند. درحالی که مخاطب ایرانی کمتر شاهد بازنمایی اخبار مثبت درباره موفقیت های مهاجرین در عرصه های دانشگاهی، علمی، فرهنگی و... است. بازتاب اخبار منفی مهاجران افغانستانی در مطبوعات ایران، بدون در نظر گرفتن نسبت و سهم جرایم جمعیت مهاجرین از کل آمار جرایم کشور، زمینه کینه و نفرت را در بین افزایش می دهد.

وقتی فضای جامعه به سمت سیاه نمایی و بدبینی سوق پیدا کند ناگزیر در ارسال پیام ایران هراسی سهیم خواهیم بود و مطمئنا این موضوع با منافع ملی کشورمان منافات دارد. در همین رابطه یکی از روحانیون برجسته افغانستانی و رئیس عمومی مرکز فعالیت های فرهنگی و اجتماعی تبیان چنین نظر دارد: "متأسفانه اکثر مهاجرین حتی در داخل ایران، به هیچ وجه نسبت به نظام اسلامی نه تنها حسن نظر ندارند که همواره زبان به بدگویی و انتقاد های برانداز می گشایند که وجود این روند در سطح مهاجرین نه تنها مناسب شان مردم افغانستان نیست بلکه نگران کننده خواهد بود." (حسینی مزاری، ۱۳۹۵)

رسانه های جمعی در ایران کمتر به توانمندی و قابلیت های مهاجرین پرداخته و بیشتر مانند دولت ها، آنان را به چشم یک مشکل نگریسته اند. (علی نژاد، ۱۳۸۷) شاید این مساله از آنجایی نشأت گرفته باشد که جامعه ما در خود فرو رفته است و به همنوع خود نه تنها فکر نمی کند بلکه همه چیز را برای فردیت خود می خواهد و فرصتی برای پرداختن به دیگران باقی نمی ماند. ضرورت تعیین سیاست های راهبردی جمهوری اسلامی ایجاب می کند برای اصلاح نگاه جامعه ایرانی ابتدا باید نگرش رسانه های ایرانی را نسبت به جامعه افغانستانی اصلاح کرد.

البته ناگفته نماند در سال های اخیر اقدامات مفیدی در تغییر نگرش رسانه ها نسبت به جامعه مهاجران افغانستانی صورت گرفته است. از جمله آن می توان به تلاش های خبرگزاری فارس، تسنیم و برنامه "وطن دار" توسط صدا و سیما اشاره داشت.

اشغال فرصت های شغلی توسط مهاجران افغانستانی

نباید نقش مهاجران افغانستانی را در سازندگی ایران به خصوص بعد از جنگ تحمیلی نادیده گرفت. آن طور که به نظر می رسد حضور مهاجران افغانستانی در ایران باعث افزایش نرخ بیکاری در کشور نیست. در این باره به نقل قولی از سردار احمدی مقدم فرمانده سابق نیروی انتظامی استناد می شود: ما در مرزهای کشور سیم خاردار نصب می کنیم، مسیر ورود اتباع بیگانه از دریا باز می شود، راه های دریایی را کنترل می کنیم این اتباع از راه قانونی وارد شده اما دیگر از کشور نمی روند. تمام این موارد ناشی از وجود مشکل در افغانستان و نیاز به کارگر در ایران است و همچنین جویندگان کار در ایران نیز تغییر ذائقه داده اند و به سمت شغل های مایل به کارگری نمی روند... چند سال قبل وقتی افغان ها را از کشور طرد کردیم دیدیم تعداد زیاد از گاوداری ها و صنعت تولید آجر کشور متوقف شد. ایرانی ها جویای کار هستند اما این کارها را انجام نمی دهند..." (بوالی، ۱۳۹۳)

علاوه بر آن باید به صدور پروانه کار مهاجرین که طبق تبصره قانونی برای مشاغل ۱۸ گانه تعریف شده اشاره داشت. مشاغلی که حدود ۲ میلیون فرصت شغلی را در ایران بوجود آورده اما کسی جز کارگران افغانستانی حاضر به انجام آن نیست (همان منبع)

فرار مالیاتی و استفاده از امکانات عمومی توسط مهاجران افغانستانی

سوءتفاهم بعدی که وجود دارد این است که مهاجران افغانستانی با بهره گیری از امکانات عمومی مالیات پرداخت نمی کنند. از زمانی که دولت هدفمندی یارانه ها را به اجرا درآورد این سخن دیگر قابل اعتنا نیست. زیرا مهاجران دارای کارت اقامت مجبورند هر سال بابت اقامت عوارض شهرداری، هزینه صدور کارت کارگری، هزینه اشتغال به کار پرداخت نمایند. و به این هزینه ها، باید هزینه ثبت نام دانش آموزان مهاجر در مدارس دولتی را اضافه کرد. یا دانشجویان افغانستانی برای تحصیل در دانشگاه های ایران باید هزینه های خود را به دلار و یورو پرداخت نمایند. (همان منبع)

گفتار چهارم: سیاست های مهاجرتی جمهوری اسلامی در قبال مهاجران افغانستانی

در اوایل انقلاب اسلامی، سیاست مهاجرتی جمهوری اسلامی در خصوص مهاجران افغانستانی، "سیاست درهای باز" بود که منشا ایدئولوژیک داشت. طولی نکشید که این سیاست جای خود را به "سیاست درهای بسته داد" و مهاجران افغانستانی "مهاجران اقتصادی" نام گرفتند. این تغییر رویکرد از آن جهت بود که "از بار فرهنگی و اخلاقی ناشی از اخراج پناهندگان کاسته و ممنوعیت آموزش، کار، بهداشت و بسیاری از تسهیلات اجتماعی توجیه شود." (صادقی، ۱۳۸۸)

اتخاذ چنین رویکردی باعث شد تا جایگاه رفیع ایران نزد مهاجران افغانستانی صدمه ببیند. اگرچه هزینه های زیادی در جذب مهاجران افغانستانی در زمینه اقامت و کار، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، حوزه و دانشگاه و تربیت هزاران

دانشجوی تحصیل کرده و... به جمهوری اسلامی تحمیل شد ولی بررسی های صورت گرفته نشان از آن دارد که ایران در مقایسه با پاکستان از تصویر مناسبی در نزد مهاجران افغانستانی برخوردار نیست. (همان منبع)

سیاست های مهاجرتی سایر کشورها

حضور انبوه مهاجران افغانستانی در ایران، سیاستگذاری دقیقی را می طلبد تا بر اساس چهارچوب مشخصی منافع کشورمان و هم منافع مهاجران تامین شود. براساس الگوی سیاست های مهاجرتی سایر کشورها می توان دو هدف عمده را در این زمینه در نظر گرفت. نخست تنظیم سیاست مهاجرتی بر روی مهاجرانی که وارد کشور می شوند و دوم سیاست رفتاری با مهاجران. (زبردست، بدون تاریخ)

جمهوری اسلامی ایران می تواند با تدوین سیاست های مهاجرتی بر روی افرادی که وارد کشور می شوند اثر گذار باشد. به عنوان نمونه کانادا کشوری کم جمعیت است که برای توسعه خود نیاز به جمعیت مهاجران دارد. این کشور با بهره گیری از "سیستم نمره دهی" از مهاجران برای تامین جمعیت خود سود می برد.

سیستم نمره دهی برحسب توانایی افراد، به افراد جوان با مدارج علمی و تجربه کار بالا نمره می دهد و هرساله براساس این الگو تعداد زیادی جوان از کشورهای مختلف جهان جذب کانادا می شوند.

یا آمریکا از سیستم "لاتاری" برای جذب مهاجرین بهره می گیرد. جذابیت بازار کار و دانشگاه های آمریکا سبب شده است که هر ساله هزاران نفر برای کار روانه آمریکا شوند. سیاست مهاجرتی آمریکا به این افراد اجازه می دهد که برای اقامت دائم اقدام کنند. اما در ایران سیاست منسجمی در قبال مهاجران وجود ندارد. موانع زیادی سد راه مهاجرین قرار دارد. اتخاذ چنین سیاست هایی موجب شده تا گروه هایی وارد ایران شوند که توانایی مواجهه با این مشکلات را نداشته باشند. به عنوان نمونه خانواده هایی که مساله تحصیل فرزندانشان برایشان اهمیت داشته سعی کرده اند که از آمدن به ایران منصرف شوند. بنابراین در این زمینه با خانواده های دارای سطح سواد و درآمد پایین روبرو هستیم. یا در موارد دیگر، اعضای خانواده به کشور دیگر فرستاده می شوند و مردان خانواده برای کار ایران را برمی گزینند. بنابراین "افرادی که می توانند در کارهای ساده و سخت مثل کارهای ساختمانی دوام بیاورند از این غربال رد می شوند." (همان منبع)

نتیجه این سیاست ها باعث شده تا "افراد کم درآمدتر و کم سوادتر" وارد ایران شوند. در بخش سیاست رفتاری با مهاجران باید سیاست های بهتری در زمینه اجازه تحصیل به فرزندان مهاجر، صدور مجوز برای اقامت و کار با شرایط مناسب، دادن نوعی شهروندی در درازمدت، صدور مجوز برای فعالیت های فرهنگی و مطبوعاتی مد نظر قرار گیرد. جمهوری اسلامی می تواند به مانند کشورهای توسعه یافته از مهاجرت نهایت استفاده را ببرد.

گفتار پنجم: چالش های فعالان فرهنگی مهاجر در ایران

چالش هایی که همواره فعالان فرهنگی مهاجر، با آن دست به گریبان هستند عمدتاً در برگیرنده مسائل و مشکلات حقوقی و صنفی است که توجه به حل مشکلات آنان می تواند فرصت ها و دستاوردهای مثبتی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان بیاورد. از منظر جامعه ایرانی، مهاجرین افغانستانی افراد کم سواد هستند که جز کارگری پیشه ای ندارند پس از گذشت سه دهه از حضور مهاجرین در ایران باید نسبت به رفع سوءتفاهم های موجود گام های اساسی برداشته شود و در تدوین قوانین مربوطه همواره معیارهای اخلاقی و انسانی را مد نظر داشت.

در این میان نکته حائز اهمیت آن است که فعالان فرهنگی افغانستانی همواره از ضعف دستگاه فرهنگی کشور در نحوه ارتباط گیری و عدم توجه نسبت به مهاجرین گله مند بوده و بر این مساله تاکید دارند که تاکنون برنامه مدون و قانونمندی در قبال فعالان فرهنگی مهاجر اتخاذ نشده و تنها در دوره هایی بنا بر اقتضات سیاسی و اجتماعی تعاملاتی با آنان صورت گرفته است. امروزه این پندار، ذهن نخبگان و کنشگران فرهنگی افغانستانی را می آزارد که چرا علیرغم تلاش هایی که نتیجه آن به حفظ، انتقال و گسترش زبان فارسی انجامیده است برنامه ضابطه مندی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای حمایت، هدایت و ساماندهی فعالیت های آنان صورت نمی گیرد.

دغدغه حفظ احترام و کرامت انسانی

همواره یکی از دغدغه های اصلی مهاجرین افغانستانی، بخصوص فعالان فرهنگی در این زمینه بحث احترام متقابل و حفظ کرامت انسانی در تمام شئون انسانی می باشد. یکی از روحانیون برجسته افغانستانی، در تحلیلی وضعیت موجود مهاجران در ایران را به مراتب بهتر از زندگی در افغانستان ارزیابی می کند ولی " بحث حفظ کرامت انسانی مهاجرین از باب اقامت، آموزش، بهداشت و درمان ... " در ایران را بسیار ناراحت کننده توصیف می کند. (حسینی مزاری، ۱۳۹۵) در دنیایی بسر می بریم که بطور لحظه ای اخبار پناهندگان پوشش داده می شود و راه گریزی از آن نیست. در این شرایط رفتارها و برخوردهای نامناسب می تواند هزینه های سنگینی را بر جمهوری اسلامی تحمیل کند. انجمن های متعددی در کشور های مختلف جهان تاسیس شده که یکی از برنامه های آنان پوشش اخبار برخوردهای منفی جمهوری اسلامی با مهاجران افغانستانی است. به عنوان نمونه می توان از شکل گیری انجمنی در سوئد برای پشتیبانی و کمک رسانی به مهاجران افغانستانی در ایران نام برد. (۵) چنین اقداماتی می تواند دست آورد های مثبت جمهوری اسلامی در زمینه مهاجران را در مجامع بین المللی تحت الشعاع قرار دهد.

مسائل و مشکلات قانونی برای اقامت

روحانی سرشناس افغانستانی که همسویی نزدیکی با نظام جمهوری اسلامی دارد نظرش بر این عقیده استوار است که "کارت اقامت یکساله یا ویزاهای سه ماهه و شش ماهه مناسب شان مردم مهاجر نیست و آنان را دچار سرگردانی و گرفتاری های اداری می کند." (همان منبع) البته این مساله زمانی بغرنج تر می شود که بدانیم فعالان فرهنگی مهاجر، در کنار سایر هموطنان خود از وضعیت اقامتی با ثباتی در ایران برخوردار نبوده و هر لحظه ممکن است با بازگشت اجباری به وطن خود روبرو شوند. دست کم این انتظار برای فرهیختگان فرهنگی و ادبی و... وجود دارد که به عنوان نمایندگان فرهیخته جامعه مهاجران، برای آنان وضعیت با ثبات و اطمینان بخش تری به لحاظ اقامت دائم یا حداقل امکان اقامت کوتاه مدت (۵ ساله یا ۱۰ ساله) در نظر گرفته شود.

متأسفانه طی سالیان گذشته به دلیل موانع قانونی و شرایط سخت اقامتی، برخی از چهره های نامدار فرهنگی و ادبی افغانستان مجبور به ترک ایران شده اند. از جمله این افراد می توان از بصیراحمد دولت آبادی (نویسنده و پژوهشگر)، ضیاء قاسمی (شاعر و مدیر دوره اول خانه ادبیات افغانستان)، محمد حسین محمدی (شاعر و داستان نویس و مدیر دوره دوم خانه ادبیات افغانستان)، محمدجواد خاوری (داستان نویس)، حمزه واعظی (پژوهشگر) و... نام آورد. (۶) یا مانع تراشی های فراوان بر سر راه تحصیل دانش آموزان و دانشجویان افغانستانی را نباید از نظر دور داشت. در دوره های گذشته ممنوعیت تحصیل دانش آموزان افغانستانی دارای کارت، سبب سردرگمی و آشفتگی خانواده ها و محصلان افغانستانی شده بود. بطوری که برای حل این مشکل رهبر انقلاب در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ دستور می دهد "هیچ کودک افغانستانی، حتی مهاجرینی که به صورت غیرقانونی و بی مدرک در ایران حضور دارند، نباید از تحصیل بازمانند و همه آنها باید در مدارس ایرانی ثبت نام شوند." (۷) در سطح حوزه علمیه، نیز طلاب افغانستانی از "شهریه و پروانه اقامت" محروم بوده و از امتیازات حوزه علمیه برخوردار نیستند. (همان منبع) بنابراین طلاب افغانستانی تمایلی به ماندن در ایران پیدا نمی کنند و ناگزیر نجف اشرف را به حوزه های علمیه قم و مشهد ترجیح می دهند. متأسفانه برخی از آنان جذب جریانات معاند نظام جمهوری اسلامی می شوند.

ثبت مشاغل فرهنگی و هنری در فهرست چهارگانه مشاغل

در فهرست مشاغل مهاجرین افغانستانی، جایی برای مشاغل فرهنگی و هنری تعریف نشده است. این موضوع آن بخش از فعالان فرهنگی که سالیان دراز در ایران به فعالیت های فرهنگی و هنری مشغول بوده و از قضا دارای کارت اشتغال هستند ولی اختیاری برای تعیین شغل مناسب برای خود ندارند، مجبور ساخته تنها از میان فهرست مشاغل (۸) چهارگانه موجود (۱- گروه کوره پزخانه ها ۲- گروه کارهای ساختمانی ۳- گروه کارگاه های کشاورزی ۴- سایر گروه های شغلی شامل: کارگرسوزاندن و امحاء زباله، بازیافت مواد شیمیایی...) شغلی نامانوس برای خود انتخاب نمایند. تعدادی از نویسندگان و شاعران نام آشنای افغانستانی علیرغم میل باطنی خود ناچار هستند از میان شغل های چهارگانه فوق، مشاغلی چون چوپانی را برای درج بر روی کارت اشتغال خود برگزینند. این مساله به خودی خود موجبات سرخوردگی و بدبینی فعالان فرهنگی افغانستانی را به

همراه دارد. در این راستا می توان به یکی از چهره های فاخر ادبی بنام استاد محمد کاظم کاظمی شاعر، نویسنده، محقق و استاد زبان و ادبیات فارسی اشاره داشت که سال های طولانی در ایران به فعالیت های فرهنگی و ادبی می پردازد. وی که به قول خود فعلا مهاجر در ایران و ساکن در مشهد است در یادداشتی درباره انتخاب شغل چوپانی، که در فضای مجازی دست به دست شده چنین نوشته است:

"باری وقتی من برای تمديد کارت شناسایی خود به اداره اتباع مراجعه کرده بودم، در قسمت انتخاب شغل، مانده بودم که کدام یک از این را برگزینم، چون در مدارک شناسایی ما باید یکی از این مشاغل ثبت می شد. به مسؤل آن - که اتفاقا و استثناء در اداره اتباع شخص خوش برخوردی بود- مراجعه کردم و مشکلم را طرح کردم. درنهایت با مشورت ایشان "چوپان" را علامت زدم، چون بالاخره شغل انبیاست. وی در ادامه می نویسد: ...فقط برای اطلاع رسانی به آن گروه از ایرانیان دلسوز و انسان دوست به اشتراک می گذارم که همیشه علاقمند حمایت از مهاجران بوده اند. می خواهم در این مسیر، انگیزه بیشتری داشته باشند و بدانند که کاری که می کنند، واقعا یک وظیفه انسانی است و چقدر ضرور است. بگذاریم که این تلاش ها به نتیجه ای مثبت برسد. اگرما به جایی برسیم که این فهرست ها اصلاح شود و تغییر کند، می توانیم بگوییم که مسیری سازنده پیموده ایم و مسلما تنش آفرینی بهترین انتخاب نیست." (۹)

از سوی دیگر برای این دسته از فعالان فرهنگی که دارای کارت اشتغال می باشند امکان اجازه خروج از شهر مبدا به شهر مقصد وجود ندارد و ناگزیر برای سفر از شهری به شهر دیگر (به منظور فعالیت فرهنگی یا مطالعاتی) باید از طرف پلیس اتباع مجوز تردد دریافت نمایند. (۱۰) چنین اقدامات پیشگیرانه ای برای فعالان فرهنگی که سالیان درازی در ایران مشغول به فعالیت بوده و حتی از چهره های شناخته شده به حساب می آیند مایه تاسف است.

موانع و محدودیت های قانونی برای فعالیت های فرهنگی و هنری

فرآیند صدور مجوز تاسیس مراکز و انجمن های فرهنگی و انتشار مطبوعات برای اتباع افغانستانی با دشواری های زیادی همراه است. هنوز "خانه ادبیات افغانستان" به عنوان یکی از مراکز معتبر فرهنگی که فعالیت های اثرگذاری در قلمرو فرهنگ، هنر و ادب فارسی داشته و سالهاست "جشنواره قند پارسی" را با هدف شناسایی چهره های تازه در عرصه شعر و داستان جوان افغانستانی در تهران برگزار می کند بدلیل موانع قانونی، موفق به دریافت مجوز در ایران نگردیده و ناگزیر این مرکز فرهنگی در سال ۱۳۸۷ در کابل به ثبت رسید. یا برخی از روزنامه نگاران افغانستانی برای تن دادن به قانون حاضرند مسیر دیگری را بیمایند. آنها با اشتراک یک ایرانی کوشش می کنند مجوز لازم را دریافت نمایند تا بدین ترتیب با صاحب امتیازی و مدیرمسئولی فردی ایرانی نشریه مورد نظرشان را با خیالی آسوده تر انتشار دهند. در این زمینه می توان به مجله کودکان آفتاب ویژه کودکان افغانستانی (۱۱) که در سال ۹۴ به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی فردی ایرانی بنام حسین سوختانلو و سردبیری فردی افغانستانی بنام نادر موسوی در تهران تاسیس یافته اشاره داشت.

از طرف دیگر وقتی وضعیت مجوز انتشار حدود ۳۰۰ عنوان نشریه افغانستانی در ایران را مورد مطالعه قرار می دهیم مشاهده می شود که غالب آنها، هیچ گونه مجوزی برای انتشار نداشته و درصد کمی هم که بخت یارشان بوده با دریافت مجوز تک شماره ای انتشار یافته اند. پس از سقوط طالبان و تصویب قانون جدید مطبوعات (رسانه های همگانی) که به موجب ماده نهم این قانون (۱۲) انتشار مطبوعات بدون مجوز آزاد اعلام شد، بسیاری از دست اندرکاران نشریات مهاجرین به افغانستان کوچ کردند. بنابراین می توان ادعا داشت یکی از دلایل مهم انتشار نشریات فاقد مجوز در طی سال های گذشته، وجود موانع قانونی و مسیری پر پیچ و خم برای دریافت مجوز بود. در کنار مشکلات حقوقی و قانونی که فعالان فرهنگی مهاجر، با آن دست به گریبان هستند مشکل عدم عقد قرارداد مراکز فرهنگی وابسته به دولت را باید اضافه کرد.

کمبود امکانات و محدودیت های مالی

با مروری بر فعالیت های فرهنگی مهاجران افغانستانی - انتشار نزدیک به ۳۰۰ عنوان نشریه، چاپ بیش از ۱۰۰۰ عنوان کتاب، تاسیس بیش از ۱۰۰ مرکز فرهنگی، برگزاری چندین جشنواره فرهنگی و ادبی، راه اندازی سایت و وبلاگ های فرهنگی و موارد بسیار دیگر که مطالعات مستقلی را می طلبد - در خواهیم یافت که آنان علیرغم دشواری های زندگی، وضعیت نامساعد مالی، کمبود نیروی انسانی و در اختیار نداشتن فضا و امکانات مرتبط با کار فرهنگی، تلاش های شایسته و ثمر بخشی را از خود بر جای گذاشته اند.

راقم این سطور در گفت و گو و مواجهه حضوری با بسیاری از روزنامه نگاران افغانستانی به این نکته پی برده است که بسیاری از دست اندرکاران نشریات فرهنگی نه تنها دارای دفتر کار نبوده بلکه همواره کیف دستی آنان نقش دفتر کار را داشته است. متأسفانه آرشیو بسیاری از این نشریات در نبود مکان مناسب، جابجایی ناخواسته و مهاجرت اجباری از بین رفته و دیگر نمی توان نشانی از آنها در آرشیو شخصی افراد یا کتابخانه ها یافت. حتی در پاره ای از موارد مدیران این دسته از نشریات بدلیل کمبود جا، نشریات مازاد خود را دور ریخته یا بصورت فله ای به فروش می رسانند.

اکنون بدلیل کمبود امکانات، مشکلات مالی و رفتارهای تبعیض آمیز، وضعیت ناخوشایندی بر فعالان فرهنگی که با کمترین توقع، برای حفظ و گسترش فرهنگ و زبان فارسی تلاش می کنند، حاکم است. به عنوان نمونه خانه ادبیات افغانستان با آن حجم گسترده فعالیت مانند برگزاری جشنواره قند پارسی، جشنواره روایت همدلی و... هنوز از دفتر و مکان مناسبی برای اداره فعالیت های فرهنگی و ادبی خود برخوردار نیست. از سال ۱۳۷۲ که محفل نویسندگان و شعرای افغانستانی در نمازخانه حوزه هنری شکل گرفت و بعدها از دل آن خانه ادبیات افغانستان بیرون آمد تا به امروز فعالیت های این مرکز سیار فرهنگی همچنان در روز و ساعت مشخصی در نمازخانه حوزه هنری انجام می گیرد. باید اضافه کرد هزینه برگزاری چنین برنامه ها و جشنواره هایی که عمدتاً از طریق رایزنی با نهادها و ارگان های دولتی انجام می گیرد به سختی تامین می شود و به علت همخوانی نداشتن دخل و خرج های صورت گرفته، فعالان فرهنگی مهاجر ناچار به تامین بار مالی آن از جیب خود هستند.

گفتار ششم: فرصت های فعالان فرهنگی مهاجر برای جمهوری اسلامی

تنش زدایی

زبان فارسی حلقه اتصال میان فارسی زبانان جهان است و وجود شمار قابل توجهی از مهاجران افغانستانی، تاثیرات مستقیم و غیر مستقیمی بر منافع جمهوری اسلامی دارد بنابراین لزوم توجه دولت و مسولان فرهنگی نسبت به برقراری ارتباط و گفت و گو با این جامعه را دوجندان می کند. هر بار برخورد های ناشایسته ای با طیف های مختلف مهاجرین مقیم ایران انجام گرفته شاهد واکنش های تندی از سوی دولتمردان و مردم افغانستان بوده ایم و ناخواسته روابط دو ملت را به تنش کشانده است. توجه به حل مسائل و مشکلات مهاجران و فعالان فرهنگی، با رعایت حفظ کرامت و احترام متقابل ضمن آنکه در راستای سیاست تنش زدایی قرار می گیرد به روابط استراتژیک دو ملت عمق می بخشد. قطع یقین وقتی تصویر مثبتی از ایران در ذهن ملت افغانستان نقش ببندد، بیش از گذشته شاهد گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با افغانستان خواهیم بود.

سفیران فرهنگی

حضور فعال جمع کثیری از نویسندگان و شاعران افغانستانی در مراکز و انجمن های علمی و فرهنگی ایران از جمله حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و بنیاد پژوهش های اسلامی، همکاری با برخی از مطبوعات و خبرگزاری های ایران، برگزاری نشست های ادبی، جشنواره های فرهنگی و برپایی همایش های بین المللی آثار مثبتی را به همراه داشته است. در نتیجه همکاری فعالان فرهنگی مهاجر با مجامع فرهنگی، علمی و دانشگاهی کشور، نسل جدیدی از داستان نویسان و شاعران، محققان و نویسندگان، روزنامه نگاران افغانستانی و... تربیت یافته است.

شیرکت هر ساله شاعران افغانستانی در محفل شعرخوانی جمعی از اهالی فرهنگ، استادان شعر و ادب فارسی در شب میلاد امام حسن مجتبی (ع) در حضور رهبر انقلاب و تلاش های مشترک نخبگان فرهنگی و فکری ایرانی و افغانستانی نظیر تدوین دانشنامه ادب فارسی و ... سهم بسزایی در پیوند روابط فرهنگی دو کشور داشته است. اکنون "جهاد برای زبان فارسی در افغانستان" وجود دارد و در خط مقدم این جبهه فرهنگیان و تحصیل کردگان مقیم ایران قرار گرفته اند که تنها براساس وظیفه معنوی خود و بدون هیچ چشمداشتی به گسترش قلمروی زبان فارسی اهتمام می ورزند و برچسب هایی مانند "مزدوری برای ایران" را به جان می خرنند. از کارکردهای مهم این حوزه می توان به گسترش زبان و ادبیات فارسی و مشارکت فرهنگی و علمی آنان اشاره کرد.

تقویت زمینه های هویتی

بدون اغراق می توان اذعان کرد این جامعه همواره در جهت حفظ هویت ملی و دینی خویش تلاش های گسترده ای داشته است. یکی از مهمترین کارکردهای مثبت مراکز فرهنگی، آموزشی و هنری مهاجران افغانستانی در ایران "مسئله هویت" است که وجود این مراکز را "برای جامعه موزاییکی و چند پاره افغانستان" ضروری ساخته است. باید تاکید کرد که این فعالیت ها "به مرکزی برای همگرایی قومی و مذهبی" تبدیل شده است. به عنوان نمونه تجربه زندگی و تعامل قومیت های مختلف در ایران باعث شده تا مدارس خودگردان با رویکردی "فراقومی و فرامذهبی" دانش آموزان را به درک متقابل نسبت به سایر اقوام افغانستان تشویق نمایند.

بنابراین مراکز فرهنگی و آموزشی مهاجران در ایران تاثیر ناخودآگاه خود را در تقویت روحیه فراقومی و فرامذهبی مهاجرین بر جای گذاشته و شرکت در چنین فضاهایی امکان درک متقابل از سایر اقوام را پدیدآورده است. از دیگر نتایج این مشارکت در میان مهاجرین، پرهیز از تفاوت های قومی و فرهنگی بوده و این که "قضاوت نسبت به ارزش های فردی و جمعی تغییر کرده و عقلانی شده است." (۱۳) از سوی شکل گیری مراکز فرهنگی و هنری وعدم جذب این افراد از سوی جامعه میزبان، این عرصه را به مجال مناسب برای ظهور و پرورش استعداد های فعالان فرهنگی تبدیل کرده است. در اینجا می توان به کارکردهای دیگر این مراکز اشاره کرد:

فعالیت های فرهنگی-هنری و آموزشی مهاجران در راستای ترویج و گسترش زبان و ادب فارسی قرار می گیرد.

اقدامات و فعالیت های این مراکز نه تنها مغایر با ارزش ها و هنجارهای جامعه ایرانی نیست بلکه در راستای اصول و اهداف نظام فرهنگی جمهوری اسلامی است.

فعالیت های آموزشی این مراکز، به تقویت جامعه پذیری مهاجران افغانستانی کمک می کند.

در نهایت می توان ثمره این مراکز را فراهم نمودن بسترهای لازم برای بازگشت مناسب، هدفمند و موثر به کشور افغانستان و بازسازی آینده آن ارزیابی کرد.

گفتار هفتم: نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قبال فعالان فرهنگی افغانستانی

در شرح وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بند پنجم تا هفتم (۱۴) اهداف وزارتخانه چنین بیان شده است:

- آگاهی جهانیان نسبت به مبانی و مظاهر و اهداف انقلاب اسلامی.

- گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف به خصوص مسلمانان و مستضعفان جهان.

-فراهم آمدن زمینه های وحدت میان مسلمین.

ضرورت هماهنگی و همسویی هرچه بیشتر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی بخش فرهنگ و کانون برنامه ریزی فرهنگی کشور این فرصت را بوجود می آورد تا بعد از گذشت بیش از سه دهه از حضور مهاجران افغانستانی در ایران، ابعاد فرهنگی آنان مورد مطالعه و توجه جدی قرار گیرد. اگر بپذیریم دولت نقش رهبری برکلیه شئون زندگی اجتماعی افراد جامعه را برعهده دارد پس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نمی تواند نسبت به حضور مهاجران افغانستانی و تاثیرات آن بر جامعه ایرانی غافل باشد.

با درک چنین ضرورتی به نظر می رسد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برحسب اهمیت موضوع، باید بیش از گذشته با رویکرد موضع فعال فرهنگی نسبت به ضابطه مندی، هدایت و نظارت بر فعالیت های فرهنگی مهاجران افغانستانی ورود پیدا کند.

سیاستگذاری و ساماندهی فعالیت های فرهنگی و هنری مهاجران افغانستانی

برای ساماندهی فعالیت های فرهنگی مهاجران افغانستانی وجود بخشی که قدرت هماهنگ سازی و تصمیم گیری فعالیت های بنیادی، کلان و خرد را در این حوزه داشته باشد ضرورت دارد. البته ناگفته نماند برنامه ریزی برای ساماندهی فعالیت های فرهنگی و هنری مهاجران افغانستانی نیاز به انجام تحقیقاتی دارد که این مهم با مشارکت فعالان فرهنگی افغانستانی و نهادهای صنفی مرتبط قابل اجراء می باشد.

به منظور ساماندهی فعالیت های فرهنگی و هنری مهاجران افغانستانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می تواند چنین نقش هایی را عهده دار باشد:

-سیاستگذاری و برنامه ریزی های فرهنگی و هنری به منظور ارتقاء آگاهی جامعه ایرانی نسبت به جامعه افغانستانی

-سیاستگذاری به منظور تقویت و ترویج اشتراکات فرهنگی، تاریخی و زبانی میان دو ملت ایران و افغانستان

-برنامه ریزی در جهت تولید، توسعه، ترویج، نشر و حمایت از آثار مکتوب مهاجران افغانستانی

-برنامه ریزی و همکاری در راستای ارتقاء و گسترش سطوح کمی و کیفی حوزه ادبیات فارسی و نشر آثار فاخر برای حفظ میراث مکتوب ایران و افغانستان، همچنین برنامه ریزی برای تاسیس و حمایت از انجمن های ادبی و هنری

-مطالعه و انجام تحقیقات در زمینه شناسایی فرهنگ مهاجران افغانستانی به منظور توسعه مناسبات فرهنگی میان ایران و افغانستان

-هدایت و حمایت مادی و معنوی از پژوهش های مرتبط با فعالیت های فرهنگی و هنری مهاجران افغانستانی

-تعیین و تدوین ضوابط مربوط به چگونگی حمایت و صدور مجوز برای فعالیت های فرهنگی و هنری مهاجران افغانستانی

-تعیین و تدوین ضوابط مربوط به شناسایی، بزرگداشت و چگونگی تکریم و تشویق از پدید آورندگان افغانستانی

-تشکیل بانک اطلاعات پدیدآورندگان، تشکل ها، تولیدات فرهنگی و هنری مهاجرین افغانستانی در ایران.

-حمایت از برگزاری نمایشگاه های نوبه ای از فعالیت های فرهنگی و هنری مهاجرین افغانستانی .

-تعامل و تبادل نظر با سایر دستگاه ها، دست اندرکاران حوزه فرهنگ و هنر به ویژه اصحاب رسانه ها جهت تقویت، توسعه و ترویج

-حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان کالاهای فرهنگی و مطبوعاتی به منظور حفظ اشتراکات فرهنگی، دینی و زبانی مهاجران افغانستانی

گفتار هشتم: نتیجه گیری و پیشنهاد

حداقل فایده ای که ایران می تواند از پذیرایی مهاجرین بدست آورد جلب حسن نظر مهاجرین است. امری که در سال های گذشته از آن غفلت شد و نه تنها حامی جدی برای جمهوری اسلامی نشدند بلکه با نگرشی منفی نسبت به ایران زبان به گلایه می گشایند. از این تاسف بارتر، هنگام بازگشت مهاجرین به افغانستان، به راحتی مورد پذیرش جامعه قرار نمی گیرند و به خاطر سال ها زندگی در ایران برچسب های ناروایی به آنها زده می شود. کارشناسان افغانستانی بر این باورند که ایران از جنبه دیپلماتیک خود را دوست مردم افغانستان معرفی می کند و به دنبال تثبیت موقعیت خود در افغانستان است اما همچنان سایه سنگین نفرت از مهاجرین وجود دارد. (حسینی مزاری، ۱۳۹۵)

پس از پاکستان، ایران بیشترین جذابیت را به لحاظ زمینه های فرهنگی، مذهبی و تاریخی برای مهاجرین افغانستانی دارد. (هاشمی مقدم، ۱۳۹۵) این ویژگی و امتیاز مهمی برای جمهوری اسلامی به حساب می آید تا از این فرصت برای دفع تهدیدات استفاده کند. جمهوری اسلامی برای حفظ سابقه دیرینه خود با افغانستان نیاز به اقدامات جدی دارد. به تعبیر یکی از کارشناسان افغانستانی، متاسفانه فعالیت ایران در زمینه های فرهنگی، عمرانی و حتی صنعتی از بسیاری از این کشورها که مرز مشترکی با افغانستان ندارند، کمتر است. (همان منبع)

بطور نمونه هندوستان با ساخت بناهای بلند و برافراشتن بلندترین پرچم افغانستان، ترکیه با تاسیس ده ها مدرسه افغان و ترک و ارایه صدها بورس سالانه به دانشجویان افغانستانی، ژاپن با برنامه ریزی آموزشی به ویژه در بخش توانمند سازی زنان افغانستان و تاسیس مدارس برای دانش آموزان در اقصی نقاط افغانستان حکایت از تحرکات جدی این کشورها در

سرمایه گذاری های کلان فرهنگی و آموزشی در افغانستان دارد تا در آینده جای پای خود را در افغانستان به عنوان شریک و "کشور دوست" مستحکم بسازند.

همانطور که بیان شد سایر کشورهای دور و نزدیک با نگاه به آینده ای مشترک به برقراری ارتباط با افغانستان روی آورده اند بنابراین لازم است با تکیه بر سابقه دیرینه و داشته های مشترک، سوء تفاهم ها و بدبینی های موجود را برطرف و با نگاه راهبردی ستون های احترام متقابل را بنا کرد تا آیندگان از این مسیر برای رسیدن به صلح و دوستی بهره جویند. از سوی دیگر تا زمانی که در سطوح کلان مدیریتی کشور تلاشی برای اصلاح نگرش ایرانیان نسبت به جامعه افغانستانی انجام نگیرد هرگونه کمک جمهوری اسلامی ایران به افغانستان، با سوءظن همراه خواهد بود.

نوع پناهندگی به مهاجران افغانستانی "براساس اعتقادات و مبانی جمهوری اسلامی منحصر به فرد بوده و در مقایسه با قوانین مهاجر پذیردنی، اتباع افغانستانی با ویژگی خاصی در ایران حضور یافته اند" (۱۵) اگر این ویژگی خاص را سابقه تاریخی، مجاورت جغرافیایی و فرهنگی، همزبانی و هم کیش بودن در نظر بگیریم آنگاه در مواجهه با مهاجران و فعالان فرهنگی نمی توان به راحتی با زبان قانون رفتار کرد. بلکه لازم است به منظور حفظ روابط دیرینه و وحدت مسلمین از دریچه اخلاقی و دینی به این مساله نگریسته شود. وقتی رهبر انقلاب با دستور به "تکریم همه مهاجرین افغانستانی" و بیان جمله "تهران؛ خانه افغانستانی هاست" مشخص کرده اند که سیاست اصولی نظام جمهوری اسلامی در قبال مهاجران افغانستانی، همچنان بر پایه آرمان های اولیه انقلاب اسلامی قرار دارد و کمیته ای به این منظور با حضور همه نهادها، در دفتر مقام معظم رهبری برای حل مشکلات مهاجران افغانستانی تشکیل شده است؛ دیگر نمی توان از کنار این مساله بی تفاوت گذشت. گفت و گوی حجت الاسلام ابراهیمی، نماینده رهبری در افغانستان و عضو این کمیته درباره نگاه ویژه رهبری به مهاجران افغانستانی از آن جهت اهمیت می یابد که بدانیم: "مقام معظم رهبر دستور به تکریم مهاجرین افغانستانی داده اند یعنی آقا نه تنها می گویند مهاجرین را رعایت کنید بلکه خواستار تکریم آنها هم هستند. تکریم بالاتر از رعایت قانون است، بالاتر از احترام است..." (۱۶)

لذا بی دلیل نیست که همه معتقدان به کرامت انسانی و آموزه های دینی و اخلاقی با استناد به دستور رهبر انقلاب از حقوق و کرامت انسانی مهاجران و فعالان فرهنگی افغانستانی در ایران حمایت می کنند. مطالبات رهبر انقلاب از یک سو و اهداف کلان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گسترش مناسبات فرهنگی و فراهم آوردن زمینه های وحدت با مسلمانان، این وزارتخانه را باید بیش از گذشته متوجه نقش خود نماید. بنابراین با درک اهمیت حفظ کرامت انسانی و حل مسائل و مشکلات فعالان فرهنگی، ضرورت دارد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مدیریت امور فرهنگی مهاجران افغانستانی را بر عهده بگیرد. بر این اساس نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه سیاستگذاری و هدایت فعالیت های فرهنگی و هنری مهاجران افغانستانی اهمیت دو چندانی پیدا می کند.

پیشنهاد ها

- ابتدا باید مرزسیاستگذاری، میان دو پدیده "مهاجرت به ایران" و "مهاجران در ایران" مشخص گردد. سپس سیاست های جاری مبتنی بر سیستم مدیریتی دنبال شود. لازمه تصمیم گیری و برنامه ریزی در فرایند سیاستگذاری، در اختیار داشتن اطلاعات و تحلیل های مربوط به فعالیت های فرهنگی مهاجران افغانستانی است. این امکان زمانی میسر است که مطالعات تکمیلی تر در این زمینه انجام و طرح شناسایی فضاها، امکانات و ظرفیت های فرهنگی مهاجران افغانستانی در دستور کار قرار گیرد.

- مهمترین ابزار یک جامعه برای تغییر نگرش نسبت به آینده، بهره گیری از رسانه های جمعی می باشد. در این سال ها سیاست رسانه ای منسجم و سازمان یافته ای در قبال مهاجران افغانستانی شکل نگرفته است. رویکرد رسانه می تواند ما را در مواجهه با واقعیات جامعه مهاجرین، از مسیر عدل و انصاف دور کند. رسانه های ایران بارها در چنین وضعیتی قرار داشته و اقدامات آنان منجر به ایجاد فضای بدبینی نسبت به مهاجرین افغانستانی شده و نتیجه آن منجر به کاهش اعتماد مهاجران افغانستانی نسبت به دولت و مردم ایران شده است. یکی از اقدامات مفید در این زمینه تدوین سیاست های رسانه ای توسط معاونت مطبوعاتی وزارت متبوع، به منظور دستیابی به راهبردی مشترک برای چگونگی استفاده از ظرفیت رسانه های داخلی در ایجاد همگرایی بیشتر است.

- امروزه اهمیت فرهنگ باعث گشته تا سیاستمداران جهان، یکی از راه های برون رفت از مشکلات جهان را "حاکمیت فرهنگ" در روابط بین الملل بدانند. "دیپلماسی آنگاه که با هدف تسخیر اذهان و قلوب مردمان سایر جوامع طراحی و اعمال می شود، نباید با یک تلقی خصمانه، منفی و سلطه طلبانه در ذهن مخاطبان همراه باشد." (مظاهری، ۱۳۹۲، ص ۱) کشورهای مختلف با توسل به این نوع دیپلماسی، اقدامات گسترده ای را در این زمینه انجام می دهند. لذا برای تامین منافع کشور گریزی برای استفاده از این ابزار نیست. دیپلماسی فرهنگی کشورمان همواره در قالب راهبردهایی مانند معرفی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، حمایت از مظلومان جهان و انتقال فرهنگ مقاومت به جهان معرفی شده است. در همین زمینه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با استفاده از ظرفیت فعالان و نخبگان فرهنگی مهاجر می تواند با کمترین هزینه به معرفی و انتقال فرهنگ ایرانی و اسلامی به جهان اقدام کند.

- از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی بخش فرهنگ کشور انتظار می رود برای برقراری ارتباط منطقی و دوسویه با بدنه فرهنگی و فرهیخته مهاجران افغانستانی به موضوع امور فرهنگی مهاجران افغانستانی ورود پیدا کند. بطور نمونه در نبود متولی امور فرهنگی مهاجرین، رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی خراسان رضوی بدون توجه به مسائل حقوقی و جوانب موضوع، فراخوان می دهد که فعالان فرهنگی مهاجر هر چه زودتر نسبت به ثبت مراکز و تشکل های فرهنگی خود اقدام نمایند. (۱۷) انتشار این خبر باعث گردید بخشی از فعالین فرهنگی مهاجر در استان تهران و اصفهان به اداره میراث فرهنگی استان مراجعه و با استناد به خبر منتشره خواستار همکاری مسئولین مربوطه در این زمینه می شوند.

درحالی که طبق قوانین موجود چنین امکانی برای مهاجرین وجود ندارد و نمونه هایی از این دست تنها باعث رنجش و بدبینی آنان می شود.

بنابراین ضرورت دارد "اداره امورفرهنگی مهاجرین افغانستانی" در سه سطح ارتباطات فرهنگی، مطالعات و برنامه ریزی و هماهنگی های فرهنگی در وزارتخانه تاسیس و از ظرفیت فعالان و نخبگان فرهنگی افغانستان برای افزایش بهره وری این مجموعه استفاده شود.

در پایان باید خاطر نشان کرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بنا بر رسالت و اهداف سازمانی خود در زمینه فعالیت های فرهنگی مهاجرین نقش مستقیمی دارد و نباید نسبت به نقش بی بدیل خود بی تفاوت باشد. رویکرد سازمان یافته این وزارتخانه به بخش فرهنگ، ایجاب می کند تا در شرایط فعلی اگر امکان تشکیل ساختار جدیدی را در بدنه خود ندارد لااقل با تشکیل "کارگروه فعالیت های فرهنگی و هنری مهاجرین افغانستانی" وظیفه سیاستگذاری، برنامه ریزی و ساماندهی فعالیت های فرهنگی مهاجرین را با عضویت مشاور عالی وزیر، معاونین وزیر، روسای دفاتر مطالعاتی... پیگیری و به مرحله اجرا درآورد.

پی نوشت:

۱. به گزارش دستور رهبر انقلاب برای حل مشکل تحصیل مهاجران آمده در سایت: همشهری <http://www.hamshahrionline.ir> مراجعه شود. (بازیابی ۱۳۹۳/۹/۱۹)

۲. به گزارش غرفه یادمان دو هزارشهید و جانباز افغانستانی در ایران آمده در سایت: شبکه اطلاع رسانی افغانستان www.afghanpaper.com مراجعه شود. (بازیابی ۱۳۹۳/۲/۲۷)

۳. به گزارش "۶ هزار خارجی میهمان زندان های ایران" آمده در سایت: خبرگزاری تسنیم www.tasnimnews.com و گزارش "صبح فردا ۲۷ شهروند زندانی افغانستان در ایران به دولت افغانستان تحویل داده می شود" آمده در سایت: www.ufugnews.com مراجعه شود.

۴. به "سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۹۲" آمده در سایت: مرکز آمار ایران <http://nnt.sci.org.ir> مراجعه شود.

۵. به گزارش انجمنی برای پشتیبانی از مهاجرین افغانستانی در ایران آمده در سایت: رادیو فارسی سوئد

<http://sverigesradio.se> مراجعه شود. (بازیابی ۲۶ ژوئن ۲۰۱۲)

۶. گفت و گوی تلفنی با صادق دهقان شاعر افغانستانی و مدیر خانه ادبیات افغانستان در تهران مورخ ۹۵/۷/۲۷

۷. به گزارش یک دستور از رهبر انقلاب: هیچ دانش آموز افغانستانی، از تحصیل بازماند؛ حتی غیرقانونی. آمده در سایت: خبرگزاری تسنیم www.tasnimnews.com مراجعه شود. (بازیابی ۱۳۹۴/۲/۲۷)
۸. به بخشنامه مدیرکل اشتغال اتباع خارجی آمده در سایت: <http://www.anboohsazan-isf.ir> مراجعه شود.
۹. به گزارش "اجبار به انتخاب شغل نامانوس برای محمد کاظم کاظمی جهت تمديد اقامت در ايران" آمده در سایت: خبرگزاری فارس www.farsnews.com مراجعه شود. (بازیابی ۹۳/۵/۴)
۱۰. گفت وگویی تلفنی با سرور رجایی نویسنده و شاعر افغانستانی و معاون خانه ادبیات افغانستان در تهران مورخ ۹۵/۷/۱۷
۱۱. برای اطلاعات بیشتر درباره مجله کودکان آفتاب به سایت: www.sunchildren.org مراجعه شود.
۱۲. به قانون مطبوعات (رسانه های همگانی) افغانستان: <http://kankorafghanistan.com> مراجعه شود.
۱۳. برای اطلاعات بیشتر به مقاله پیامدهای فرهنگی و اجتماعی مهاجرت افغانها در ایران نوشته محمد نبی متقی آمده در سایت: www.bonyadeamin.com مراجعه شود.
۱۴. به بخش اهداف و سیاست های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده در سایت: www.farhang.gov.ir مراجعه شود.
۱۵. به مقاله افغانستانی ها در ایران آمده در دانشنامه ویکی پدیا: <https://fa.wikipedia.org> مراجعه شود.
۱۶. به گزارش نگاه رهبری به مهاجرین افغان چگونه است؟ آمده در سایت: پایگاه خبری تحلیلی صراط www.seratnews.ir مراجعه شود. (بازیابی ۱۳۹۴/۱/۳۱)
۱۷. به گزارش "مهاجرین برای ثبت قانونی تشکل خود در ایران اقدام کنند/بین جامعه مهاجر هنرمندان فاخری وجود دارد" آمده در سایت: خبرگزاری فارس <http://af.farsnews.com/allnews/news/13950415000179> مراجعه شود. (بازیابی ۹۵/۴/۲۰)

منابع:

- بوالی، حمیدرضا (۱۳۹۳). ۶ سوء تفاهم بزرگ درباره مهاجرین افغان، قابل دسترسی در: خبرگزاری تسنیم www.tasnimnews.com (۱۳۹۳/۴/۲۱)
- حسینی مزاری، سید عیسی (۱۳۹۵). سایه روشن های مشکلات و ظرفیت های موجود مهاجرین در ایران، قابل دسترسی در: خبرگزاری صدای افغان (آوا) <http://avapress.com/vdchv6nz623nvxd.tft2.html> (بازیابی ۲۴ مرداد ۱۳۹۵)
- زیر دست، مریم (۴). دانشنامه افغان: سیاستهای ایران در قبال مهاجرت افغانها، قابل دسترسی در: www.afghanpedia.com
- ساکي، فرشته (خرداد ۱۳۸۹). پایان نامه بررسی تصویر مهاجران افغانی در مطبوعات ایرانی از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی.

شربعتی، محمدابراهیم (۱۳۹۱). پیشینه تاریخی و فرهنگی، افغانستانی ها را به نگارش کتاب واداشت، قابل دسترسی در: خبرگزاری کتاب www.ibna.ir (بازیابی ۹ اسفند ۱۳۹۱)

صادقی، رسول (بهار و تابستان ۱۳۸۸). ویژگی های جمعیتی مهاجران خارجی در ایران در سرشماری ۱۳۸۵، آمده در: گزیده مطالب آماری، سال ۲۰، شماره ۱، ص ۴۱-۷۳.

علی نژاد، سیروس (۱۳۸۷). نگاه مجله گفت وگو به مسائل ایران و افغانستان، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/173cav> (بازیابی ۲۱ فروردین ۱۳۸۷)

فرخ یار، شهاب الدین (۱۳۸۱). کتابشناسی افغانستان دفتر اول: ۱۳۵۸-۱۳۸۰، تهران: انتشارات شهاب ثاقب.

محرابی، معین الدین و جعفری خانقاه (۱۳۸۹). سه دهه با مطبوعات فارسی زبان مهاجران افغانستانی در جهان، تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها.

مظاهری، محمد مهدی (۱۳۹۲). دیپلماسی فرهنگی از ضرورت تا واقعیت، آمده در: روزنامه ایران، شماره ۵۵۶۲، ۳۰ دی ۱۳۹۲.

نصراصفهانی، آرش (۱۳۹۴). نسخه اولیه پایان نامه افغان هراسی: مطالعه وضعیت مهاجران و پناهندگان افغانستانی در ایران.

موسوی، سید نادر (۱۳۹۱). پایان نامه بررسی کارکردهای مدارس خودگردان افغانستانی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

هاشمی مقدم، امیر (۱۳۹۵). لزوم اصلاح نگاه افغانستانی ها به ایران، قابل دسترسی در: سایت شبکه مطالعات سیاستگذاری

<http://npps.ir/articlepreview.aspx?id=91676> (بازیابی ۶ شهریور ۱۳۹۵)